

یک فرقه خطرناک در آذربایجان سر برآورد

این فرقه جدیدالتأسیس معتقدند که باید در اذان و اقامه به جای شهادت به ولایت امام علی(ع) به ولایت و امامت امام زمان(عج) شهادت بدهیم



در ادامه فرقه سازی های صهیونیست؛

این فرقه جدیدالتأسیس معتقدند که باید در اذان و اقامه به جای شهادت به ولایت امام علی(ع) به ولایت و امامت امام زمان(عج) شهادت بدهیم و به جای عبارت «أشهد أن علیاً ولی الله«، عبارت «أشهد أن مهدیاً حجت الله« را جایگزین کرده اند. در واقع آنها قائل اند که دوره امامت امام علی(ع) به اتمام رسیده است و دیگر نیازی به مطرح کردن این مسئله در اذان و اقامه و سایر عرصه ها وجود ندارد.

مشاهدات میدانی از جامعه آذربایجان حاکی از آن است که دولت باکو علاوه بر افزایش فشارهای بیرونی بر شیعیان این کشور، ایجاد و ترویج فرقه های انحرافی را نیز در دستور کار خود قرار داده است. اگرچه این روش پیشتر با محوریت حمایت از غیر شیعه مذهبان در امور تحصیلی و اجتماعی انجام می گرفت اما اکنون صورت جدیدی برای خود یافته است.

بارزترین نمونه حمایت دولت آذربایجان از فرقه های انحرافی در این سرزمین شیعه نشین، حمایت حکومت از گروهی جدیدالتأسیس است که با نام «مهدیچیلر« شناخته می شوند. اگرچه پیروان این فرقه نسبت به این نام حساس بوده و از این که با نام جدیدی شناخته شوند ابا دارند، اما مشهورترین عنوان برای این فرقه همین نام «مهدیچیلر« است. این گروه تحت رهبری فردی که با نام «فخرالدین« شناخته می شود و ساکن یکی از روستاهای اطراف باکو است، تأسیس شده است. بعضی از متدینین رابطه او را با سیستم های اطلاعاتی دولت آذربایجان مسئله ای بدیهی به حساب می آورند. نخستین ویژگی مهدیچیلر غلو بسیار آنان در مورد امام زمان(عج) است. آنان با اقرار به امام زمان(عج) در اذان و اقامه شروع کرده و امروز به انتساب صفات خاص الهی به امام زمان(عج) رسیده اند.

آنها در ابتدا تنها قائل بر این نکته بودند که در هر زمان بیعت و تجدید عهد با امام آن عصر نیاز است و ما باید به ولایت و امامت امام زمان تأکید کنیم، برای همین لازم است تا در اذان و اقامه به جای شهادت به ولایت امام علی(ع) به ولایت و امامت امام زمان(عج) تأکید نماییم. برای همین هم، آنها به جای عبارت «أشهد أن علیاً ولی الله«، عبارت «أشهد أن مهدیاً حجت الله« را جایگزین کردند. در واقع آنها قائل اند که دوره امامت امام علی(ع) به اتمام رسیده است و دیگر نیازی به مطرح کردن این مسئله در اذان و اقامه و سایر عرصه ها وجود ندارد.

پس از این اعتقاد و روی آوردن افرادی به این اندیشه، فخرالدین، اندیشه های جدیدی را در مورد امام زمان(عج) مطرح کرد. او در تبلیغات خود ادعا کرد که «این امام زمان(عج) است که زمین و آسمان را آفریده، ایشان هیچ گاه از مادر زاده نشده بلکه همواره زنده بوده و خواهد بود، همو بوده است که با حضرت موسی در کوه طور تکلم کرد، این نور امام زمان بود که در طور تجلی کرد و موسی بی هوش شد اما موسی فکر می کرد این نور خداوند است، این امام زمان است که قرآن کریم را به نبی مکرم اسلام نازل کرده است«.

مهم ترین مانع ظهور امام زمان

در نظر «مهدیچیلر«!

فخرالدین و همفکرانش علاوه بر مسائل نظری در جست و جوی راه حل هایی برای نزدیک تر ساختن قیام امام زمان نیز بوده اند. به نظر آنان اصلی ترین دلیل عدم ظهور امام زمان(عج) اقداماتی است که روحانیون ایرانی در این کشور انجام می دهند.

در نظر مهدیچیلر «امام زمان با شمشیر و اسب قیام خواهد کرد و پیشرفت های علمی و موشکی ایران باعث می شود تا شیعیان به جای دل در گروی شمشیر امام زمان(عج) داشتن به پیشرفت های علمی و صنعتی ایران دل ببندند و این باعث تأخیر ظهور ایشان می گردد«.

این بهانه سبب شده است تا مهدیچیلر خود را در انجام هرگونه اهانت به رهبران انقلاب های منطقه به عنوان اصلی ترین موانع ظهور! و نیز تمام مراجع شیعه در ایران و نجف که با نهضت های انقلابی و ضد آمریکایی همکاری داشته و یا حمایت کرده اند، محق بدانند. آنان با فحاشی های رکیک علیه مراجع قم و نجف، آنان را سبب انحراف مردم از دولت مهدوی و دل بستن به حکومت ایران می دانند.

و البته مؤمنین انقلابی و روحانیون آذربایجانی تحصیل کرده در قم نیز از اتهامات و فحاشی‌های آنان در امان نیستند.

معترضین به قانون منع حجاب جاسوس هستند!

این در حالی است که این گروه در برابر ممنوعیت‌هایی که علیه ساخت مساجد، تشکیل اجتماعات مذهبی، و نهایتاً حجاب در این کشور اتفاق افتاد هیچ اعتراضی نکرده، مؤمنین پاک‌باخته و غیور را به جاسوسی برای ایران و وطن‌فروشی متهم کردند. مهدی‌چی‌لر معترضین به قانون منع حجاب در مدارس را به جاسوسی و وطن‌فروشی متهم کردند.

مهدی‌چی‌لر،

در حال گسترش

اگرچه پیروان این اندیشه در حال حاضر از کمیت آماری نگران کننده‌ای برخوردار نیستند اما نوع اندیشه و اقدامات آنها نسبت به هتاک‌ها به علما، عرفا، مراجع و تمام روحانیون شیعه خوف ایجاد چنین فرهنگی را در فضای خام فکری جمهوری آذربایجان ایجاد می‌کند.

اصلی‌ترین پیروان فخرالدین در ابتدا، هم روستائیان‌شان بودند اما بعدها با حمایت‌هایی که از طریق دولت از او شد او اکنون در لنکران، ماسالی، باکو و روستاهای اطراف آن نیز که اصلی‌ترین مناطق شیعه‌نشین آذربایجان هستند، طرفدار دارد. تعداد قابل توجهی از شیعیان آذری‌الاصل مقیم روسیه نیز از جمله پیروان او هستند.

گفتگو با شیعیان ممنوع!

«#فرامرز ج.» یک جوان شیعه که ساکن یکی از روستاهای لنکران است و در برابر فعالیت‌های این فرقه در روستایشان مقاومت می‌کند، در جواب به پرسش خبرنگار تسنیم که از او در مورد چگونگی فعالیت علیه آنان پرسیده، می‌گوید: عملاً هیچ امکان فعالیت علیه آنان وجود ندارد. 100 درصد رادیکال هستند، و همدیگر را از هرنوع گفت‌وگو با سایر شیعیان که پیرو مکتب اهل‌بیت(ع) هستند، منع می‌کنند.

تندتر از وهابیت

او در پاسخ به این سؤال که می‌شود آنها را وهابیت شیعی نامید، در حالی که آهی می‌کشد، می‌گوید: «#شاید، ولی آنها از وهابی‌ها هم تندتر هستند. وهابی هرچه باشد یکی دو آیه قرآن می‌خواند و تو هم این امکان را داری که در مقابلش با قرآن یا احادیثی که خودش قبول کرده استدلال کنی، برای همین هم وهابی‌ها در محیط‌های شیعی رشد چندانی ندارند، اما اینها همگی بی‌سوادند، به هیچ‌وجه امکان حرف‌زدن را هم به انسان نمی‌دهند. نه به آیه‌ای استدلال می‌کنند، نه به حدیثی استناد دارند، نه کتابی و نه منطق مشخصی برای حرف‌های خودشان دارند، برای همین خصوصاً در جمع‌های گروهی‌شان شدت بیشتری نسبت به مخالفان‌شان دارند».

تو جاسوس اطلاعات ایران هستی!

«#مهدی م.» هم که اواخر سنین جوانی را می‌گذرانند، و چند سالی هم در قم تحصیل کرده و هم‌اکنون ساکن باکو است، می‌گوید: «#یک بار به آن‌ها که داشتند رهبران برخی کشورها و سایر مراجع را دشنام می‌دادند گفتم خوب اگر ایران موشک نداشته باشد، که آمریکا و اسرائیل در چند روز نابودش می‌کنند، بعد از آن چه فایده‌ای دارد که آقا بیاید؟ دیگر شیعه باقی نمانده، در حالی که کم مانده بود مرا هم مورد ضرب و شتم قرار دهند، گفتند: تو جاسوس اطلاعات ایران هستی و مرا از آنجا بیرون کردند.» به نظر می‌رسد آنها با توجه به اطمینانی که از حمایت حکومت نسبت به خود دارند، از گفتن هیچ حرف و هیچ اقدامی ابا ندارند. در واقع مهمترین اقدام فخرالدین برای حفظ پیروان خود تبدیل یک بحث اعتقادی فکری به بحثی تعصبی است تا با توجه به خصوصیات روانی بخشی از هواداران بومی خود در جمهوری آذربایجان، حمایت‌های پیروان خود را از دست ندهد.